

نامه پاپ بشاه سلطان حسین صفوی و جواب آن

در کتابخانه حضرت علامه بزرگوار آقای شیخ الاسلام زنجانی مجموعه ایست خطی که منشأ آن از آقا حسین خوانساری فقیه معروف عصر شاه عباس و فرزندش آقا جمال و عده دیگری از نویسندگان دوره صفویه مانند آقا رضی و آخوند مسیحای کاشانی و میرزا علیخان در آن ضبط شده است، این نسخه بعد از وفات آقا حسین خوانساری و آقا جمال ظاهراً در زمان شاه سلطان حسین صفوی نوشته شده و مشتمل بر نامه ها و وقف نامه های متعدد و فرامین و موضوعات ادبی و تاریخی است. قسمت اول این مجموعه که شامل منشآت و چندین رباعی از آقا حسین خوانساری است از حیث موضوعات نظیر نسخه متعلق با آقای صدر هاشمی است که وصف آنرا بضمیمه نامه که آقا حسین از زبان میرزا صائباً بحکیم سعید قمی نوشته است در شماره هشتم سال اول مجله یادگار درج کردیم.

دو ضمن نامه های این مجموعه سه نامه از لحاظ تاریخی اهمیت بیشتری دارد. اول ترجمه نامه ایست که از طرف پاپ اینستئوس دوازدهم که از سال ۱۶۹۱ تا ۱۷۰۰ پاپ روم بوده است در تاریخ ۱۶۹۹ میلادی مطابق با سال ۱۱۱۱ هجری بشاه سلطان حسین صفوی نوشته شده و دو نامه دیگر جوابهائی است که دوفتر از منشیان مخصوص این پادشاه بنامه مزبور نوشته اند و شاید علت اینکه این پادشاه نوشتن جواب را بدوفتر از منشیان خود دستور داده این بوده است که هر يك از جواب ها که سبک انشایش بهتر باشد بدربار پاپ فرستاده شود. چون این نامه ها شامل نکات تاریخی و

معرف عقیده پادشاهان صفوی نسبت بیروان سایر مذاهب و طرز رفتار با آنان می باشد
 عیناً از مجموعه مزبور استتساخ و بخوانندگان محترم مجله یادگار تقدیم میشود.
 ترجمه نامه پایای رومه کبری که پادری قبل از این مجمل ترجمه نموده بود
 و در ثانی الحال مفصلاً لفظ بلفظ ترجمه شده در حضور علیقلی بیگ

«اینستنیوس» پایای دوازدهم می خواهد که جهت پادشاه نجیب بسیار توانا سلامتی
 و نور هدایت الهی میسر باشد و چون بطینت عظیم شما تعلق دارد که آنانکه بمملکت
 بسیار وسیع شما روانه شده توقف مینمایند چنانچه از زبان جمع کثیر بسیار خوب مطلع
 شده ایم ضرور است که در بودن با امنیت و فراغت در تحت فرمان سلاطین زاده عادل و
 درویش منش امید وار و خاطر جمع باشند و بر آستی می باید که جماعت پادریان کوچک
 منسوب بحضرت فرنسیس که طایفه خاصی از فضلاند مثل ایشان در رفاه باشند زیرا که
 منظور ایشان سیر نیست و از فوائد دنیوی در مجمع مردم معتبر بسیار باختیار خود
 گذاشته اند بلکه در آن جای خوش آینده سیاحت میکنند جهت آنکه بنمایند از روی
 صدق و افتادگی دل راه راست را که بخدا میرساند بنور راستی دین عیسوی اما بسیار
 می خواهیم و می باید که خواهشی بسیار داشته باشیم چنانکه می باید و کار ما همین است
 که چنان کنیم که روحها هدایت نمایند و از راه گمان وسعت حوصله و خلق شما بسیار
 بسیار طالبیم که پادریان مزبور طایفه از فضلاء اختیار تمام خواهید داد و در ممالکی
 که در تحت فرمان شماست خصوصاً در گنجه و کرخستان که ساکن شوند و در آن محال
 آنچه بمهام راهنمایان دین تعلق دارد خواه در خانهای خلوت و خواه در کلیساهای ایشان
 تمشیت دهند و بقدرت شما تکیه کرده بخوشحالی زیاد بکار خود مشغول شوند و این را
 باهتمام از شما التماس میکنیم که بهیچوجه نگذارید بکسی از ایمان آوردندگان بحضرت
 عیسی که پیش ایشان جهت ایمان میروند کسان شما مانع گشته زحمت رسانند بلکه بتهدید
 تمام بفرمائید که کسی را که مانع ایشان شود سیاست عظیم نمایند و خیالات مارا بتفصیل
 خواهد گفت فرزند محبوب فلیکس مریم دسلان ۱ که از جماعت فضلی مزبور است و
 بسیار آرزو داریم که بشنوید بدل مهربان از یادری مزبور سخنان او را که در جواب خلافت

ما بشما خاطر نشان کند و در این بین ما دعا میکنیم از پدر نورها که برحم خود داخل کند بروح بزرگ شما شعاعهای نورخود را تا راستی تمام توانید یافت نوشته شد در رومه در کلیسای بزرگ مریم و بمهر ماهی گیر مهر شد در روز بیست و ششم اول نوروز فرنگیان که یک هزار و شصت و نود و نه سال از تولد حضرت عیسی علیه السلام گذشته و سال هشتم خلافت ماست.

جوایی که واقعه نویسی نوشته بود

« مکتوب صداقت اسلوب مخالفت پیام و نمیقۀ انیقہ منتج الفت و التیام پایای دوازدهم بالقابہ در ایامی که بغیض ترویج دین مصطفوی و بمن اجرای شریعت غرّای مرتضوی موروثی این خاندان عز و شأن صفوی ابواب فتوح یزدانی بر حسب آمال و امانی هوا خواهان جانی این سلطنت خدا داد چارودانی گشوده و زرد رنگی کدورات خرابی از شارستان دولت ابد بنیاد کامرانی بیارش سحاب اهتمام کارگذاری عقیدتمندان جتانی این دودمان ظل سبحانی زوده بود بوساطت زبده الاشیاء والاقربان فلیس مریم دسلان منظور نظر خورشید اثر و مفهوم ضمیر منیر صفا تخمیر انور گردید بعد از اظهار مراتب محبت و مخالفت وطی مدارج الفت و مودت اشعاری در باب ترقب رعایت قسیسان و رهبانان ساکنین و واردین ممالک فشیح المسالك محروسه عموماً و مراقبت و تقویت سفیر مزبور خصوصاً نموده بودند بر رأی رزین و عقل متین آن ارسطو فطرت باضاف گزین و سایر سلاطین با عز و تمکین فرنگستان پوشیده و پنهان نیست که نواب همایون ما از ذریت طاهره اخلاف مصطفوی و جرة فاخرة اصناف مرتضوی و بترویج ملت بیضاء و شریعت غرّای نبوی و بحر است بیضه اسلام و حمایت کلام اعجاز نظام ملک علام مشهور السنه و افواه جهانیم و بنا بر آنکه بر هر صاحب هوشی واجبست که بدون عصیت جاهلیت منصفانه بنور عرفان و ضیاء ابقان و دلیل و برهان تحصیل مذهب حق کردگار زمان نماید هیچوقت هیچیک از کردار از دین معجز را بدین دین مبین و عقاید گزین مجبور نفرموده ایم سیما جماعت قسیسان و رهبانان که بسفارشات و ترقب رعایت آن قدوة سلاطین مسیحیه و قاطبۀ فرمانفرمایان عیسویه همواره مشمول عوارف خسروانه بوده و میباشند و در بودن امثال ایشان در میان همکیشان و تعلیم طریقه خود بجهال خودشان

هیچوقت مضایقه نشده و نخواهد شد رسول مزبور بعد از تبلیغ رسالت و کام یافتن از انواع عنایت و مرحمت و تشریف شریف سلطانی باذن انصاف شرفیاب اقسام کامرانی گردید .

جواب دیگر من منشآت میرزا علیخان سلمه الله

« عنوان صحیفه کفتار حمد و سپاس کردگار مفیض الانوار است که روشنی چراغ هستی جمله موجودات پرتوی از نور ابدی الظهور ذات عالم آرای اوست و آرایش سلسله کائنات بفروغ لالی درخشان ذوات قدسیه بر گزیدگان حضرت والای او سیما در یتیم صدف اصطفای محمد مصطفی که بمژده مقدم جلیش لسان مطهر حضرت کلمه الهی کهر فشانی نموده و شاهد نعمت جمیلش در جلوه گاه آیات بینات توریه و انجیل نقاب از چهره کشوده و دراری باهره آسمان ولایت و خلافت یعنی آل اطهار و عترت اخیار آن حبیب سبحان و شرف خاندان خلیل رحمن که بنیاد ایمنی دعوت آن صیت اسلام عالمگیر و بخاتم فرمانروائی عهد دولتشان نامه روزگار اختتام پذیر است صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین بعد از تزیین فاتحه کلام بثناء بگانه بی همتا و ذکر جمیل مقرران بارگاه کبریا مرفوع رأی رزین و ضمیر موالات گزین فلان بالقابله آنکه گلبرگ خوش آب و رنگ چمن الفت و التیام یعنی نمیفه خجسته نظام ورقیمه فرخنده پیام درهنگامی که ریاحین ریاض دولت و اقبال بهبوب نسایم فتوحات غیبی بر روی اهانی و آمال ایستادگان پایه سر بر شاهنشاهی شکفته و عرصه دلگشای ممالک محروسه از غبار هرگونه اختلال بریاح مبشره فتوحات لاریبی بر حسب تمنای هوا خواهان حضرت شاهی رقتد خاطر خطیر بسیر منتزعات ساحت جنت آیت مملکت خدا داد مشعوف و شکر گزاری نعمای بی منتهای صمد بی نیاز و مالک الملک بی انباز عنان ابرش عزم فلك مسیر ساعت بساعت بصوب تفقد احوال و تدارک حال نزدیک و دور معطوف بود بوساطت سیار حدیقه سفارت زبده الاشباه و الاقران فلان منظور نظر خورشید اثر و مضمون مخالفت مشحونش بهمت افزای ضمیر انور گردیده از اشعاری که در باب رعایت و مراقبت ساکنین و واردین ممالک فسیح المسالك قلمرو سلطنت ایمانی سیما ولایت کنجه و گرجستان از قسیسان

و رهبانان عموماً و سفیر مسفور خصوصاً نموده بودند اطلاع حاصل آمد بر رأی روشن آن پیشوای خطه هوش و فرهنگ و مقتدای سلاطین بلاد فرنگ پوشیده نماند که شجره نسب نواب همایون ما بنخله برومند ارض مقدس نبوتی اتصال یافته که وصف رحمت عالمیان از اغضان فضائل آن غصنی است سایه گستر و ظاهر است که مطابقت فروع با اصول خاصیتی است درطباع اشیاء مضمَر :

پسر کو ندارد نشان پدر تو بیگانه خوانش مخوانش پسر

و یکی از مأثورات مراحم عامه آن ظل ممدود و رحمت آله و پیغمبر دین پناه این روایتست که من اذی ذمتی فقد اذانی یعنی هر که آزار رساند بکسانی که من ایشان را امان داده ام پس بمن آزار رسانیده با وجود مرحمت جبللی و رأفت فطری و آگاهی از مضمون این حدیث و بسیاری از نظائر و امثال آن که بر مراعات زیر دستان و ذمیان که بشرایط ذمت قیام مینموده باشند و در مقام شکست عهد و پیمان نباشند دلالت دارد چون تواند بود که اولیاء قاهره ما که تمامی همت والا بر ترویج دین مبین آن سید اولین و آخرین مصروف میدارند احدیرا در آزار آن جماعت مبسوط الید و مطلق العنان نمایند علی الخصوص نسبت بفرقه مسیحیه موسومه بنصاری که در بعضی از آیات باهره قرآن مبین وصف ایشان بزبانی قرب مودت مؤمنین ورود یافته و بیان شده در میان ایشان قسیسین در میان میباشند و ایشان فروتن و متواضعند و چون حق را بفهمند استکبار و سرکشی نمی نمایند و چون بشنوند آنچه را نازل شده بر رسول صلی الله علیه و آله می بینی چشمهای ایشان را که اشک میریزد از آنچه دانسته اند از حق و بعد از آن حال جمعی از ایشان که ایمان آورده اند سمت بیان یافته و بشارت بدخول جنت بایشان داده شده چنانکه یهودان بی ادب و مشرکان عرب بشدت عداوت موصوف شده اند و کافیت شاهد بر صدق مضمون مزبور اینکه همواره کم سال و ماهی است که جمعی کثیر از آن گروه نرم خوی سعادت جوی بشرف اسلام مشرف نشوند و بساحل نجات نرسند بنا بر آن لطف و مرحمت در باره ایشان از لوازم عدل و احسان است و با وجود این حق بشارت عیسوی بیعت سید انبیاء علیه التحیه و الثناء چنانکه اشاره بآن شد و همچنین آنچه در احادیث و اخبار متواتره ورود یافته که هنگام ظهور امام زمان و آخرین

خلف سید انس و جان آن کرسی نشین سپهر برین بزمین نزول نموده اقتدا بآن امام همام و نصرت دین اسلام خواهد نمود مقتضی آنست که منتسبان آن رسول عالی مقام را تا هنگام نزول آن حضرت همواره رعایت و تفقد نمائیم و اما امر هدایت و ارشادی که بزبان زد خامه اظهار نموده بودند اگر غرض هدایت و ارشاد جهال و عوام فرقه نصاری است ظاهر است که ممانعت در آن باب وجهی ندارد و اگر مدعی فرقه ناجیه اسلامیه است بحمدالله در نظر هر يك از عوام مسلمانان راه دین و وضوحی ندارد که بروشنائی چراغ کسی حاجتمند باشند و در این شبهه نیست که نور آفتاب یقین بگل اندودن شك و شبهه زوال پذیر نیست بناء علیه در این باب نیز مضایقه نمی نمائیم که ارباب نظر با یکدیگر مناظره مینموده باشند و بالجمله در افاضه انوار بر و امتنان و اشاعه آثار عدل و احسان که بحکم کریمه عقل قویم و فرمان واجب الاذعان قرآن حکیم در باره عموم برایا بداف مأموریم بعون الله مساهله جایز نمیداریم خاطر از همه باب جمع دارند و بظهور لوازم غریب نوازی مستظهر باشند سفیر مومی الیه بعد از تبلیغ رسالت بانواع عنایت و مرحمت و تشریف شریف سلطانی رخصت انصراف طلب داشته مأذون و قرین عواطف خسروانه روانه گردید نور هدایت الهی چراغ افروز آن قدوة سالکان مسالك حق جوئی بوده چنانکه از شهد موالات سلسله علیه نبویه کامیابند از رحیق توفیق نیز بهره یاب باشند بمنه و جوده .

مارا خدای وعده بمی کرد در جنان

باید کشید رایت عشرت بر آسمان
باید می بیوی گل و رنگ ارغوان
شکرگرف سوده گردد مغز اندر استخوان
آمیخته بمشک بود آب ناردان
نوربست بی تعمیر و ناریست بی دخان
مارا خدای وعده بمی کرد در جنان
آزار میهمان طلبد رنج میزبان
(محمود جوهری زرگر هروی)

چون صبح بر کشد علم ساده بر نیان
زان پیش کافتاب سر از کوه بر زند
آن می که کر ز دور بداری ز عکس او
چون آب ناردان بود اندر قدح اگر
روحیست بی کثافت و شمعیست بی کسوف
می خواه می گسار و بمی شاد باش از آنک
می بر حرامزاده حرام است کوه بعد